



پیام حزب حرکت اسلامی متحده افغانستان

به مناسبت گرامی داشت از چهارمین سالگرد رحلت رهبر فقید حزب حرکت اسلامی افغانستان، سپه سالار جهاد و مقاومت مرحوم الحاج ستر جنرال سید حسین انوری



بسم الله الرحمن الرحيم
مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن
قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا

هرگز از یاد من آن سرو خرامان نرود

هرگز نقش تراز لوح دل و جان نرود

۱۵ سرطان است و در آستانه گرامی داشت از چهارمین سالگرد رحلت جانشوز رهبر فقید حزب حرکت اسلامی افغانستان سپه سالار جهاد اسلامی و مقاومت ملی کشور، مرحوم الحاج ستر جنرال سید حسین انوری قرار داریم.

زنده یاد الحاج ستر جنرال سید حسین انوری پس از سال ها حضور آگاهانه و متعهدانه در سنگر های داغ نبرد علیه متجاوزان شوروی سابق و ایادی سپه روی شان و نیز حضور هدفمند و سازنده در جبهات ضد هراس

افغان طالب، در اثر مریضی که قد و قامت رسا اش را سخت می آزد، به تاریخ ۱۵ سرطان سال ۱۳۹۵ در خارج از کشور دیده از جهان فروبست و سوار بر دوش فرشتگان عرش به لقاءالله پیوست.

و اما، بی تردید، شکل گیری، اوج گیری، قوام، و پایداری، انقلاب ها، نهضت ها، جنبش ها و مبارزات اجتماعی سیاسی در گرو مجاهدت ها، رشادت ها، ایثار گری ها، خون دل خوردن ها، در خون تپیدن ها، شکنجه ها و اعدام های مجاهدان فی سبیل الله این اسوه های ایثار و مقاومت و تلاش گران نستوهی است که دمی آسودن را تحمل ندارند و لحظه های آرام را بر خود حرام می دانند، و تا رسیدن به منظور و مقصود سراز پانمی شناسند. یکی از جمع چنین مجاهدان راه خدا و خلق خدا از تبار

مؤمنان پاک سرشت، از سلسله پارسایان شجره طیبه و از نوادگان خانواده مهبط وحی، فرمانده فرزانه شادروان الحاج ستر جنرال سید حسین انوری است.

آن مرحوم در نخستین سال های جهاد اسلامی افغانستان علیه اشغال گران شوروی، آگاهانه و متعهدانه در صفوف مجاهدین «حزب حرکت اسلامی افغانستان» پیوست و تا پایان عمر پر بار خود به تعهدی که در برابر خدا و مردم بسته بود با قامت راست ایستاد. دیری نگذشته بود که در اثر شجاعت، زیرکی و کاردانی که از خود به نمایش گذاشت، در رأس شورای ولایتی کابل قرار گرفت. فهم و دانایی او به صفت رئیس، این نهاد را در عرصه نظامی و سیاسی کشور پر توان و پیشتاز ساخت طوری که بیشترین عملیات های درون شهری کابل از سوی این نهاد به راه انداخته میشد و موفقانه به

سر می رسید و کامیابی های را یکی پس از دیگری از آن خود میکرد، چنانچه رژیم کمونیستی وقت با داشتن قوی ترین دستگاه اطلاعاتی و استخباراتی به روز در سطح منطقه از تقابل با این نهاد جهادی عاجز ماند.

پس از پیروزی جهاد بر حق مردم متدین افغانستان علیه اشغال گران شوروی اسبق، دوران سازندگی افغانستان آغاز شد، مرحوم سید حسین انوری با درایت و شایستگی که داشت به سمت وزیر در وزارت های کار و امور اجتماعی و زراعت آبیاری و مالداري گماشته شد، ایشان مسئولیت ها و وظایف این دو وزارت خانه را به وجه احسن پیش برد. در زمان اوج گیری و تشدید فعالیت ها و عملیات های نظامی تروریستان طالب در سال ۱۳۷۵ که منجر به سقوط شهر کابل و بیشتر ولایات گردید، رهبران و صفوف مجاهدین کشور عقب نشینی تاکتیکی

سخنی با خواننده



اندر باب

تیم

دولت ساز

تیم دولت ساز به رهبری جناب محمد اشرف غنی بعد از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری، اینک حکومت منتخب و مشروع بوده یعنی سیستم سیاسی ملی به حساب می آید. این ویژگی ملی بودن تیم دولت ساز، مستلزم آنست که در امور حکومتداری از کار شیوه شایسته سالاری، اقتدار ملی خواهی و قانون گرایی بهره ببرد تا فرصت های پیش آمده تلف نگردیده و از کار و ساز های ذوقی و سلیقه ای اجتناب بعمل آید، سرانجام حکومت بر چالش های فراوری نهادینه شدن دموکراسی و مردم سالاری فایق آید.

پیروزی تیم دولت ساز محمول تلاش فرد، قوم، گروه و حزب خاصی نبوده است و حتا قابل تصور هم نمیباشد. بنابراین، در پیروزی این تیم تمام اعضاء من حیث المجموع نقش داشته اند. دستاوردهای کنونی متعلق و وابسته به همه این تیم خواهد بود و هیچ فردی تحت هیچ عنوان صلاحیت انحصاری نسبت به استفاده از ظرفیت های حکومت را ندارد. بعبارت دیگر، مصلحت دولت ساز، حکومت و منافع ملی کشور ایجاب میکند که با معیار های ملی از "قدرت" و از آنچه که مربوط به قدرت است استفاده شود و هیچ کس حق ندارد که در اثر صلاحیت های حکومتی خویش در مغایرت با منافع تیم استفاده کند.

مهم ترین مسئولیت تیم دولت ساز اصلاح قدرت است یعنی اینکه اعضای این تیم از قدرت به نفع قوم، نژاد و سمت استفاده نکرده که هر گونه سوء استفاده از قدرت خیانت به اقتدار ملی و به سرنوشت تیم خواهد بود و اگر در پیروزی این تیم همه باهم سهم داشته ایم و اکنون نسبت به دستاوردها و کسب امتیازات نیز همه باهم سهم خواهیم داشت.

رهبری تیم دولت ساز، اگر به تعهدات قبل از پیروزی متعهد نباشد و نقض قول کند و جلو سوء استفاده اعضای تیم را نگیرد، بزرگترین جفائی در حق این تیم مرتکب شده و خواهد شد.

هیاهو، غوغا و رعایت نکردن اصول و قواعد حاکم بر تیم پیامد شوم و عاقبت خطرناکی خواهد داشت. وقتی معلوم نباشد که استفاده از "قدرت" بر چه تعامل استوار است دقیقاً فضائی هرج و مرج و غوغا سالاری حاکم خواهد بود. در چنین فضا یا در چنین شرایطی است که زمینه ای بهره برداری منطقی از قدرت گرفته شده و منطق هر کس "تاخن داشت حلوا خواهد خورد" تبدیل به اصل اساسی در جامعه گردیده و خواهی نخواهی آسیب عمیق دامن گیر مردم و نظام خواهد شد.

حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان به ریاست استاد ابوالحسنین "یاسر" همانطور که در راستای پیروزی این تیم از هیچ تلاشی و کوششی دریغ نورزیده اکنون نیز هم در مقام مشوره و ارائه طرحهای اصلاحی و هم برای حکومتداری خوب میخواهد که نیروهای انسانی و ظرفیت های حزب را در خدمت مصالح علیای کشور گذاشته که در ضمن رسیدن بحقوق اساسی خویش عمده ترین مصدر خدمت به کشور واقع شود.

پیام حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان به مناسبت گرامی داشت از چهارمین سالگرد رحلت رهبر فقید حزب حرکت اسلامی افغانستان، سپه سالار جهاد و مقاومت مرحوم الحاج ستر جنرال سید حسین انوری

بیش از سه دهه یاری و همسفری با این بزرگ مرد باعث شد که از نزدیک و بدون حجاب، سنجایی اخلاقی و ویژگی های حسنه ای او را درک و فهم کنم، جوانمردی و شجاعت، درایت و فهامت، آزادی و رشادت، تقوی و دیانت، زیرکی و سیاست و مدارا و مروت خصلت های خدا پسندی بود که آن پرچم دار مبارزات اسلامی همه را در وجود خود جمع داشت.

یکی دیگر از ویژگی های این تلاش گر نستوه، وحدت طلبی و تقریب پیروان مذاهب اسلامی بود. او فارغ از تمامی تعلق ها و تعصب های دست و پا گیر ضد ارزشی، یار و همکار برادران اهل تسنن مان بود، چنانچه در بسیاری از جبهات مانند دره سنگلاخ، پغمان و میدان شهر تعدادی زیادی از این برادران دوشادوش ما در سنگر ها و جبهات حضور فعال و بی مدعا داشتند و در بسیاری عملیات های نظامی، آنها همدوش و همزم ما بودند.

پاک روان سید حسین انوری جهاد رانهای خود سازی انقلابی و شهادت طلبی نمی پذیرفت. در جبهه و سنگر در حضر و سفر با قرآن و دعای کمیل و صحیفه سجادیه و ذکر دعا های مأثور انس و محبت قلبی داشت. ستایش و نیایش را به منظور حضور معنوی و رسیدن به ساحت قرب الهی، متروک و مهجور نکرد، حین عزیمت به سوی جبهات نور و درخشندگی علیه ظلمت و تاریکی، نخستین کسی که غسل شهادت را به جامی آورد آن یار خدا جو بود و در یک کلمه او فرزند راستین اسلام و پرورده قرآن بود. مرگ زود رس و نا بهنگام آن عزیز از دست رفته ضایعه ای بزرگ و جبران ناشدنی برای اهل بیت، یاران، همسنگران و خانواده بزرگ مجاهدین مسلمان است. خاطره این راد مرد، پیش گام و فداکار همیشه ماندگار، راهش پر رهرو و بر انگیزتنش در یوم الحشر با صالحان باد.

با احترام

ابوالحسنین یاسر

رئیس حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان

چه باید کرد

■ عزیزالله طهماسی

هدف "تاکتیکی" و "استراتژیکی" نه در "طول" و نه در "عرض" که در "عمق" و "متن" و "مغز" یکدیگر عجین شده اند. یعنی وقتی گفته شود، "استقلال"، مسلماً "منهای اسلام"، "استعمار" است و چون اسلام مطرح می شود و از استقلال کشور غفلت شود، یک اسلام خیالی و ذهنی و دور از صحنه های سیاسی، اجتماعی، نظامی و اقتصادی و سازندگی خواهد بود و یک مذهب معلق در خلاء که جز برای بحث و فحص کاذب و خوش گذرانی و صحبت های رفاهی به درد نخواهد خورد. و راهی را نشان نخواهد داد و گره از مشکلات مردم باز نخواهد کرد. این است که استقلال "سیاسی ملی"، زمینه های تطبیق و پیاده شدن اسلام در جامعه، خود بخشی از اسلام است.

افغانستان که "معبد"، "زادگاه" و "گهواره" همه ی افغان ها است حکم "مادر" را دارد. که اسیر جنگ و دندان "جنایت کاران جنگی" و "هراس افگنان" داخلی و خارجی شده است. پس آنهایی که با تکیه به خشم توده ها بخاطر کسب استقلال، از "آگاهی" و "بینش اسلامی" و رشد "تفکر ملی" میان مردم غفلت می کنند بداندن و آگاه باشند، که هم اعاده استقلال حقیقی ملی را مشکل می سازند و هم افغانستان را در آینده دور ترک، لقمه چربی برای حلقوم دشمنان ذخیره می

کردند، دولت اسلامی افغانستان به رهبری مرحوم استاد برهان الدین ربانی ناگزیر مقرر حکومت را به شمال کشور انتقال داد و در پی آن جبهاتی در شمال کابل و ولایات شمالی کشور علیه طالبان و دیگر تروισتان منطقه ای و جهانی گشوده شد. حزب حرکت اسلامی افغانستان، در کنار دولت اسلامی به دفاع از کیان کشور و مردم ستم دیده در بسیاری جبهات حضور پر رنگ و هدفمند پیدا کرد. نقش فرمانده پر آوازه و بنام کشور زنده یاد سید حسین انوری در پیشبرد نهضت مقاومت ملی به یاد گار ماندنی و فراموش ناشدنی می باشد.

سقوط حاکمیت خون و خشونت طالبان توسط جامعه جهانی و به همکاری جبهه مقاومت ملی صفحه جدیدی را در تاریخ سیاسی افغانستان ورق زد، توافقنامه مذاکرات بن علی رغم کمی ها و کاستی ها اجرایی گردید و حامد کرزی از دل این توافق نامه برون آمد و به صفت رئیس حکومت موقت با حمایت همه جانبه جامعه جهانی بر گزیده شد.

جنت مکان آقای انوری از سوی رهبری اداره موقت رهبری وزارت زراعت آبیاری و مالدای را عهده دار گردید تا در عرصه های رهبری و مدیریت دستگاه های اجرائی حکومت نقش سازنده خویش را ایفاء نماید که فعالیت های مستمر و ارزنده ای این رهبر بزرگ در رهبری ولایات کابل و هرات مبین توانمندی های بالقوه این مرد بزرگ تاریخ است.

اینجانب به صفت برادر، همسنگر و هم پیمان آن فرمانده مجرب این افتخار را دارم که در روزگاران سخت و دشوار گذر جهاد اسلامی و مقاومت ملی مردم مجاهد آفرین مان، سی و چهار سال تمام در کنار آن یار دیر آشنا، سلاح بر دوش و سر بر کف در میان امواج بنیان کن دره ها و سنگلاخ ها و بلندای صخره ها و دشت های پهن این سرزمین همراه با دلاور مردان گام های متین و استوار و هدف دار برداشتیم تا رایت سبز ظفر را دوشادوش یکدیگر بر فراز قله های بلند پیروزی به اهتزاز در آوریم.

در پاسخ به این سوال چه باید کرد؟، بایست این پرسش جواب روشن داشته باشد که برای چه منظور، کدام هدف، و مقصود چیست؟

و چون اقلیم شرایط در راستای هدف مشخص گردد مسلماً چهره ی مخاطب ها برای تحلیل و طرح سوال چه باید کرد، نیز آشنا تر و برجسته تر می گردد. به عبارت دیگر با هر هدفی و هر شرایطی و مخاطب های مختلف، پاسخ به سوال چه باید کرد؟ متفاوت است و هم با تغییر اقلیم شرایط کار، شرایط اقلیمی برای کار کردن فرق می کند.

در وضعیت جاری جامعه ما، دو اصل ذیل افق آینده تاریخ ما را که دو بنیاد اساسی اند و اصالت دارند تشکیل میدهند، که میتواند مضمون کار همه ی مردم باشد و محور سمت گیری به سوال چه باید کرد؟

۱- هدف تاکتیکی و فوری و حیاتی که تأمین "صلح عادلانه" و "ثبات پایدار" است.

۲- هدف استراتژیکی و نهایی که ساختن "جامعه اسلامی" یا "مدینه الرسول" است.

ساختار ساختمان جامعه ما بر این دو اساس بنیان گذاری خواهد شد و این هر دو، بی چون و چرا "هویت انسانی" و "ماهیت حقیقی" ما را می سازند. هکذا قابل ذکر است که این دو

دیدگاه تاریخی و عوامل موثر بر روابط افغانستان و پاکستان

■ غلام علی صارم

طرفی داود هم که جهت شرکت در مراسم تدفین استالین دیکتاتور روسیه به نمایندگی از شاه به شوروی رفته بود شیفته نظام آنجا شده بود، گرچه شوروی میدانست که داود تمایل به کمونیسم ندارد ولی اینرا میدانست و یقین داشت که اوبخاطر حفظ قدرت حاضر به هر گونه معامله است، همین بود که قربانی شدن افغانستان و پاکستان در پای اهداف شرق و غرب آغاز گردید.

مسئله بیرق و میانجیگری کشور های اسلامی :

در سال ۱۹۵۷پاز هم تلاش های دیپلوماتیک جهت حل قضیه پشتونستان صورت گرفت و به همین منظور سردار محمد نعیم برادر داود خان به عنوان وزیر خارجه به پاکستان مسافرت نمود.

تقاضای افغانستان در این دور از مذاکرات این بود که به مناطق قبیائلی آزاد ی داخلی داده شود، و پاکستان هم در این قسمت بی میل نبود، چون ایشان از طرف دیگر بخاطر مسئله کشمیر تحت فشار قرار داشتند.

اما مشکلات داخلی پاکستان روی مسئله بنگال که قبلاً متذکر شدیم سیاستمداران پاکستان را از موافقه با اینکار باز میداشت، آنها در عوض طرح تشکیل یونیت پاکستان غربی را اعلان کردند.

حکومت افغانستان ضمن اقدام از طریق دیپلماتیک با تظاهرات دستوری به سفارت پاکستان در کابل و قونسلگری آن در جلال آباد حمله نموده و بیرق پاکستان را به زیر آوردند.

در پاکستان عمل به مثل صورت گرفت، عده ای از پاکستانی ها با خشم و غضب به قونسلگری افغانستان در پشاور حمله نموده عین عمل را تکرار کردند.

دیپلومات های افغانی اهمیت موضوع را ندانسته آثار تعرض به قونسلگری را بزود ترین وقت محو نمودند، ولی پاکستانی ها کلیه آثار تعرض به سفارت و قونسلگری خود در جلال آباد و بی احترامی به بیرق آن کشور را به جهانیان وانمود کرده و از آن استفاده سیاسی بزرگی نمودند.

در ارتباط با حل این مسئله از جانب کشور های مختلف از جمله عربستان، مصر و عراق تلاش های صورت گرفت و برای اعاده حیثیت جانبین ابتدا در افغانستان و بعد در پاکستان بیرق های هر کشور با تشریفات خاص بر فراز سفارت ها و قونسلگری های شان بر افراشته شد.

درین مرحله باز هم پاکستان دست بالا داشت، زیرا ثابت شد که حمله اول به سفارت و بی احترامی به بیرق ملی از جانب افغانستان صورت گرفته و از جانب دیگر مسئله اساسی که مسئله پشتونستان بود تحت الشعاع این مسئله قرار گفت.

ادامه دارد ...

حتی زمانیکه محمد علی جناح فوت کرد و بعد از او نواب زاده لیاقت علی خان به قدرت رسید، او در ۱۹۵۱ بدست یک نفر افغانی مهاجر ازقبیله جدران به قتل رسید ، گرچه بعد از تحقیقات معلوم شد که موضوع به ناراضیان خود پاکستان برمی گردد و ارتباطی به حکام افغانستان ندارد، ولی عجالتاً هیچ تاثیر برروابط ایندو کشور نگذاشت .اما با رویکار آمدن داود خان و استعفای شاه محمودخان از مقام صدارت صفحه جدید برروابط افغانستان و پاکستان گشوده شد که مطالعه می کنیم:

فصل جدید روابط در عصر صدارت داود خان :

همانگونه که متذکر شدیم مسئله پشتونستان بیشتر از جانب داود خان علم میشد. تشکیل مجموعه ای بنام کلوب ملی و اتحادیه پشتون ها جز تحکیم دیکتاتوری شخصی او و حرکت در راستای هدف همسایه شمالی (شوروی) چیز دیگری نبود.

با متهم نمودن شاه محمود خان به کم کاری و رفتار بیش از حد ملایم ، بالاخره شاه را نیز با خود هم نظر ساختند و شاه محمود خان را با دلیل عنعنوی خرابی صحت مستعفی ساختند.

داود خان به تاریخ ۶ سپتامبر ۱۹۵۳ مامور تشکیل کابینه شد و در کابینه هم بیشتر کسانی را جذب کرد که قبلاً در کلوب ملی با او هماهنگ بودند.

با استقرار داود خان در پست صدارت در روابط افغانستان و پاکستان فصل جدیدی آغاز شد.

زیرا اودر نخستین روز های احراز این مقام طی بیانیه ای خط مشی حکومت خود را اعلان نمود و در آن بدو نکته تاکید نمود: یکی مسئله پشتونستان و دیگری انکشاف امور اقتصادی براساس پلان و اقتصاد رهبری شده. اینکار را داود با یک پلتیک خاص دنبال می نمود و آن اینکه میخواست از طریق ایجاد رقابت بین قدرت های بزرگ در جهت رشد اقتصاد کشور و تجهیز قوای نظامی علیه پاکستان به نفع کشور استفاده نماید، گرچه در کوتاه مدت با ایجاد رقابت توانست کمک های بدست آورد، ولی همین سیاست چنانچه مشاهده میشود افغانستان را گرفتار مسایل و مشکلات پیچیده و دشوار نمود.

در دسمبر ۱۹۵۳ امریکا کمک خود را به پاکستان اعلان نمود، داود این کمک را به افغانستان خطر آفرین توصیف نموده و خود نیز از امریکا تقاضای کمک کرد، و لی امریکا به این تقاضا وقعی نگذاشت و کمک های خود را در افغانستان محدود به امور اقتصادی نمود، از جانب دیگر شوروی آئزمان موقع را غنیمت دانسته با حکومت سردار گرم گرفت و از

گونه گامی را در راه سرکوبی افغانها ی تبعیدی و طرفدار انقلاب های ضد فیودالی و ضد امپریالیستی برمیدارند.» (۳) همینطور اگر به روابط روس با افغانستان چه قبل از ۱۹۱۹ (سال آزادی افغانستان) و چه بعد از آن ، نگاه کنیم همیشه با مکر ، خدعه و نیرنگ همراه بوده که دراین زمینه شواهد تاریخی زیادی هم وجود دارد.

باوجود تجارب تاریخی فقط همینقدر که روسها از داعیه حکام افغانی در ارتباط پشتونستان در زبان حمایت کردند توانستند این کشور را بدام خود کشیده و سلاح های فاسد شده و باقی مانده از جنگ دوم جهانی خود را در بدل سرمایه های گزاف به افغانستان بفروشند.

به این ترتیب کشور افغانستان نیز قدم به قدم در دامن استعمار سرخ روس سقوط نمود که نتایج تاسف بار آن یکی همین کودتای سرخ و ننگین هفت ثور بود که قسمتی از پیامد های شوم آن شهادت بیش از یک ونیم میلیون انسان ، بیش از پنج میلیون مهاجر و آواره و صدها هزار معلول و معیوب و خرابی به وسعت یک کشور ، از بین رفتن کلیه تاسیسات اقتصادی ، فرهنگی و... میباشد. و بدتر از همه زنده شدن عصبیت های قومی ، منطقه یی ، سمتی ، نژادی و مذهبی که متاسفانه هنوز هم به اوج خود باقی است .

البته این اختلاف و بی نظمی محدود به افغانستان نیست ، متاسفانه برادران مسلمان ما در کشور پاکستان نیز هر روز از ین آتش افروخته شده متضرر میگردند ، که به عقیده ما همه حاصل نفاق، تدبیر خام و مدیریت ضعیف و کوتاه نظری حکام هر دو کشور میباشد.

صراحتاً باید به عرض برسانیم که وضع موجود به نفع هیچکدام نبوده و حاصل آن جز ایجاد کینه و عداوت و تلف شدن سرمایه های ملی دو کشور چیزی نخواهدبود.

از تبصره دراین مورد که بگذریم ، بخاطر جلوگیری ازارائه مطالب پراکنده روابط این دو کشور را در عصر هریک از حکام افغانستان بصورت جداجدا مورد بحث قرار میدهیم.

صدارت شاه محمود خان:

تقسیم شبه قاره هند بدو کشور هند و پاکستان و آغاز روابط افغانستان با کشور جدیدالتاسیس در همسایگی اش آنهم توأم با خصومت ، گرچه در زمان صدارت شاه محمود خان صورت گرفت که چنانچه قبلاً به اعزام هیأت و دیدار با محمد علی جناح و بمبارد منطقه ای از افغانستان بواسطه طیارات پاکستانی اشاره کردیم با آنهم از اینکه شاه محمود خان آدم خوشگذاران و راحت طلب بود کوشش می کرد تا خود را از فضای جنجال برانگیز دور نگهدارد و باهمه کشور ها و همسایه اش پاکستان هم روابط خوب داشته باشد.

بینظیر بوتو در کنفرانس دو روزه اسلام و غرب که با شرکت تعداد زیاد ی از پژوهشگران و متفکران از گوشه و کنار جهان در هوتل هیلتون نیکوزیا (مرکز جمهوری قبرس) گشایش یافت طی صحبتی گفت: «ما درپاکستان به تنهایی(۲/۴) بیلیون دالر کمک های نظامی و اقتصادی از غرب دریافت کردیم که باعث تقویت بنیه اقتصادی ما گردید.» (۲) جدا شدن بنگلادیش در ۱۹۷۲ و دوام اختلاف برسر مسئله کشمیر و پشتونستان بیشتر این کشور را به وابستگی سیاسی و نظامی به جانب غرب کشاند. از جانب دیگر افغانستان که ۲۸ سال قبل استقلال سیاسی خود را بدست آورده بود نیز نتوانست آنرا در عمل حفظ نماید، زیرا نفوذ انگلیس روی تعدادی از سیاستمداران این کشور باعث شده بود که عملاً این کشور مثل پاکستان وابسته بماند.

با تشدید اختلاف بر سر مسئله پشتونستان ، حکومت افغانستان از امریکا تقاضای کمک نظامی نمود تا بتواند در مقابل پاکستان آمادگی نظامی داشته باشد، امریکا دوستی با پاکستان را ترجیح داده و از کمک نظامی اباا ورزید. این باعث شد تا حکومت افغانستان دست به جانب استعمار سرخ روس ، همسایه شمالی خود دراز کند ، و در این کار نقش اساسی را سردار داود به عهده داشت.

روسها که از زمان پطر کبیر خواب اتصال به آبهای گرم بحر هند را میدیدند در ین دوره که دیگر قدرت رقیبش انگلیس هم در آنطرف مرزهای افغانستان وجود نداشت، این تقاضای افغانستان را گامی بسوی نقطه مراد دانسته لیبک گفتند، و با ارسال تجهیزات نظامی و اعزام جواسیس خود بنام کارشناس و تخبیکر نظامی در اردوی این کشور رخنه نمودند.

روسها در همین حال که سیاستمداران افغانستان سراپاگوش از ایشان حرف شنوی داشتند با آنهم در قسمت اینها نظر نیک نداشتند .

این موضوع را از اسناد و نوشته های شان به صراحت میتوان دریافت کرد، آنها در دائره المعارف شوروی سال ۱۹۵۰ نوشتند: «دولت افغانستان که یک دولت مالک و بورژوا و ملت گرا می باشد در شرایطی که برای مردم غیر افغانی که در افغانستان سکونت دارندحق خود مختاری و آزادی قایل نیست، مدعی طرفداری از نهضت افغانها در شبه قاره هندوستان بوده، مایل است آن قسمت را از پاکستان جدا کرده ناحیه ای بنام پشتونستان درست کند

طبقه حاکم افغان در حالیکه به وحدت ملی تکیه می کنند و میخواهند افغانها (پشتونها) که در دو طرف مرز ساکن هستند متحد شوند، به مردم داخل افغانستان ستم روا میدارند و آنها را از برپا کردن یک نهضت ملی مانع می شوند و هر

از این به بعد مثل یک دیوانه صبح تا شب خواهیم نوشت

■ اسحاق جواد

هیچ احساسی در یک کودک بوجود نمی آورد دور بریزید، به جایش متن ها و داستان هایی جا دهید که کودک با خواندن ان عاشق کشورش شود، چیزی در این کتاب ها جا دهید که کودک بداند نباید به این کشور خیانت کند، کودکان مکتب باید بدانند که یک مادرک پشتون به خاطر تداوی دختر مریضش روز ها سفر می کند تا به کابل می رسد و شب ها پشت دروازه یک شفاخانه می خوابد. کودکان باید از دوران مکتب بدانند که در بامیان یک خانواده در قرن بیست و یک خانه ندارند و در مغاره زندگی می کنند، کسی باید باشد که به کودک این سر زمین بفهماند که مرد تاجیک، زن اوزبیک و معلم تر کمن از فقر و بدبختی رنج می کنند. اگر عمری باقی ماند دیگر هیچ کاری نمی کنم، صبح تا شب می نویسم، همان گونه که خداوند به قلم سوگند یاد کرده است و برای ما گفته است که با قلم همه چیز تغییر می کند. می نویسم تا خودم تغییر کنم، دوستانم تغییر

باشد و بخواهی او را زنده نگهداری ولی همه به جانش سنگ بزنند خیلی سخت است، به سویش نگاه کنی که درد میکشد و از تو می خواهد او را نجات دهی ولی از توان تو نباشد دردی دارد که خداوند به هیچ شهروندی انرا نشان ندهد. پیچ بزنی فریاد کنی که این کشور را به سنگ نزنید که تکه تکه شده است ولی کسی به قصه حرف هایت نباشد، یادت بیاید که روزگاری او زیبا ترین همه بود، شکوه و جلالی داشت که کسی نمی توانست با بی احترامی به او نگاه کند دلت آتش می گیرد.

گاهی با خودم فکر میکنم اگر عمری برایم باقی ماند مانند دیوانه ها خود را به وزارت معارف می رسانم و دست های هییت رهبری انرا می بوسم و خواهش می کنم این نصاب تعلیمی را تغییر دهید، این نصاب تعلیمی قادر نبود به ما انسانیت بیاموزد، این کتاب ها نتوانستند حس ملی را در ما بوجود بیاورند، برای شان می گویم این داستان ها و متن های خشک و خالی را که

تنها یک کشور مترقی و ارام از خدا می خواستم، یک کشوری که وقتی مریض میشدیم وحشت تمام وجود ما را فرا نمی گرفت که به کجا برویم، یک کشوری که ادم می توانست با فرزندان خود فاصله ای را بدون ترس سفر کند و بعد در کنار تپه ای چند ساعت بنشیند و از کشورش لذت ببرد، یک کشوری که کسی به کسی کاری نمی داشت و هر کس مصروف زندگی خودش می بود.

رنجی در این کشور کشیدیم که اگر کسی بتواند انرا درست و واقعی انعکاس دهد تمام مردم جهان به حال ما گریه خواهند کرد، اگر مردم جهان بدانند که در یک کنجی از این جهان وسیع مردمی زندگی می کنند که یکی از ارزو های بزرگ شان این است که لت و کوب نشوند و کسی انها را توهین نکند شاید ناخوداگاه اشک های شان جاری شود.

کشورت مثل یک عضو زخمی خانواده ات روی دست هایت



دکتر اسحاق جواد طیب و نویسنده مثنوی افغان

کنند و بالاخره همه ما تغییر کنیم، تا چه وقت زندان ها مملو از جنایت کاران باشد؟ تا چه وقت پیوسته جنایت کنیم؟ حتما یک مشکلی است که در این کشور هیچ کسی تغییر نمی کند و همه به حق این کشور جفا می کنند.



هیچ چیز
بهتر نشده است، تنها مردم نا
امید افغانستان یاد گرفته اند چگونه بی سر و
صدا بمیرند که جز خانواده شان کس دیگری خبر
نشود.
«از صفحه داکتر جواد»

صاحب امتیاز: حرکت اسلامی متحد افغانستان (حاما)
مدیر مسوول: غلام علی صارم
سر دبیر: محمد عیسی سرور
گزارشگران: حاما
گروه نویسندگان: عزیزالله طهماسی، انجنیر فلاح، محمدی
یکاولنگی و فواد محضیار
طراح: مجتبی محمدی
چاپ: مطبعه اعتصام
نشانی: کارته سه، کوچه مقابل ناحیه شش شاروالی، دست
راست خانه سوم
آدرس ما در مزار شریف:
چهارراهی حاجی ایوب، کوچه قرغان، روبروی دفتر توانا
نشانی برقی:
hama.weekly@gmail.com
Web: www.uaimp.org.af

چهارشنبه ۱۱ سرطان ۱۳۹۹ ✽ ۱ جولای ۲۰۲۰

شماره مسلسل چهل و ششم

در افغانستان، هیچ چیزی به اندازه روند صلح مسخره نمی باشد!



خلیلزی و آی اس آی اجازه امضای توافقنامه با تروریستان در دوحه را داده بود از تروریسم آن ها به تنگ آمده هفته گذشته پایگاه های آن ها را در ولایت فراه و قندهار بمبارد وعده از ترور کاران را کشته وزخمی کرد. بنا برآن، رایزنی طالب خلیلی با طالب برادر در دوحه را مانند روند مسخره صلح مسخره دانسته از امریکا پرسان می کنم که چرا دستگاه تروریست پروری پاکستان در کویت و پشاور برای تروریزه کردن بیشتر افغانستان را بسته نمی کند و بیهوده خود را مصروف روند دروغین صلح با تروریستان کرده است؟

صداقت خلیلی را زیر سوال برد ند. از اینکه توافقنامه براساس دروغ های خلیلی درباره صلح طلب شدن طالبان امضا شده بود و امضا کننده هم خود او به حیث نما بنده امریکا بود؛ با توجه به افزایش خشونت طالبان، بد گمانی برخی امریکای ها نسبت به او موجه می باشد. دوم، برخی امریکایی های درگیر در افغانستان مسئله عقب نشینی سربازان کشور خود از افغانستان را که در توافقنامه نقض شده درج شده است را کم رنگ گرفته اند. از اینکه ترامپ درباره بیرون شدن سربازان امریکایی از افغانستان شتاب نشان می دهد، نظامی های پاکستانی به طالبان فرمان داده اند که تروریسم را گسترش دهند تا عقب نشینی را شتاب بیشتر بخشد. اکنون که نیروی هوای امریکا به مرکزهای تروریستی طالبان در فراه و قندهار حمله هوای کرده اند، در واقع، بیهوده بودن توافقنامه نقض شده ای دوحه را نمایش و مایه شرمساری پاکستان شده است!

۳- طالبان مجبور ساخته شود که علایق و مناسبات سازمانی خود را با دگر گروه های تروریستی از جمله القاعده و شبکه حقانی به طور همیشگی قطع کند.

۴- دستاورد های دو دهه پسین از جمله “قانون اساسی” افغانستان به عنوان “وثیقه ملی” همچنان “دموکراسی”، “حقوق بشر” بویژه “حقوق زنان”، “آزادی بیان” و “رسانه ها”، “پلورالیسم سیاسی”، موجودیت “احزاب سیاسی” و نهاد های “جامعه مدنی” حفظ و به رسمیت شناخته شوند.

۵- بخش نظامی طالبان منحل ساخته شده و طی میکانیسم موجود در اردوی ملی افغانستان ادغام شود.

۶- بخش سیاسی و اداری طالبان بر مبنای تخصص و شایسته سالاری در نهاد های دولتی گزینش و گماشته شوند.

اگر طالبان غیر از نیت برقراری صلح و امنیت فراگیر و ثبات پایدار، کدام سوء اراده دیگری نداشته باشند بدون شک جامعه افغانی پذیرای آنها خواهد بود در غیر آن، زمان تحمیل اراده منقضی شده است.

ادامه دارد...

البته، به دلیل های زیر: نخست، طالب خلیلی در روز ۲۹ ماه فوریه ۲۰۲۰-دهم ماه حوت ۱۳۹۸، به حیث نما بنده امریکا توافقنامه صلح را با طالبان در دوحه امضا کرد و در توافقنامه کاهش خشونت برای شروع گفت و گوهای میان افغانی درج شده بود. برخلاف، طالبان بیشترین خشونت ها را بعد از امضای توافقنامه در سراسر افغانستان کرد ند. دوم، در خیابان ها که تروریسمی کرد ند و می کنند در بیمارستان ها هم تروریسم و وحش و کشتار کرد ند. سوم، دوهفته قبل دکتر ایاز نیازی استاد دانشکده شرعیات دانشگاه کابل را در مسجد وزیر اکبر خان در کنار ارگ ترور کرد ند. چهارم، امریکا که براساس اطلاعات دروغین

آغاز دور جدید حملات هوایی امریکا بر مواضع طالبان!

امریکا؛ با حمله به پایگاه های تروریستی طالبان یا شاخه ریشو- تروریست ارتش پاکستان در فراه و قندهار، در غرب و جنوب غرب و شمال افغانستان، هم پاکستان را غمگین سا خت هم بیهوده بودن توافقنامه دوحه را به نمایش گذاشت. مثلاً، بیاد داریم که بعد از امضای توافقنامه دوحه در روز ۲۹ ماه فوریه، در حالیکه کاهش خشونت به حیث پیش شرط گفت و گوهای میان افغانی در آن درج شده بود، برخلاف، طالبان با افزایش خشونت و ترور جنازه توافقنامه را برداشتند. بادر نظر داشت نقض توافقنامه توسط طالبان تروریست، دوم مسئله در رسانه های انگلیسی زبان بازتاب یافتند: نخست، برخی امریکایی ها

مشروعیت سیاسی “بخشید تا به صفت یک طرف اصلی منازعه از قدرت و صلاحیت لازم برای تصمیم گیری در آینده سیاسی افغانستان برخوردار گردد. به همین لحاظ این گروه هراس افکن برای بدست آوردن امتیازات بیشتر در پشت میز مذاکرات صلح بین الافغانی، خشونت های خود را بیشتر از گذشته ها اعمال کرد. اکنون که در آستانه برگزاری مذاکرات صلح بین الافغانی قرار داریم بر حکومت افغانستان است تا نکات کلیدی زیر را در این مذاکرات به عنوان “خطوط قرمز” خود در اولویت قرار دهد؟

۱- هم زمان با آغاز مذاکرات صلح، آتش بس فراگیر و جامع در تمامی جبهات از سوی طالبان پذیرفته شود و سازمان ملل متحد از چگونگی آن نظارت نماید.

۲- اصل “نظام جمهوری اسلامی” افغانستان که ماحصل خون میلیون ها شهید و آواره، نیز معلولیت صد ها هزار هموطن ما می باشد، از سوی طالبان پذیرفته شود و هر گونه بحث پیرامون آن منتفی اعلام گردد.

زندگی نامه شهداء

شهید رحمانی



در سال ۱۳۶۸ با جمعی از مجاهدین عازم سنگرهای داغ و گلگون پغمان شد برآستی او را میتوان مصداق این شعر بلند دانست:

تادل هرزه گرد من رفت به چین زلف او
زان سفر دراز خود عزم وطن نمی کند
دل به امید روی او همدم جان نمی شود
جان به هوای کوی او خدمت تن نمیکند
مدت چندانی در آن سرزمین نپائید و بسوی منزلگی که
اصفهان به هوایش برخاسته بود تند و توپنده رفت. آری
او در ۲۱ ماه رمضان المبارک سال مذکور در یک نبرد
رویاروی جام شهادت سر کشید.
روحش شاد بادا.

جاری، مثمر ثمر واقع نشده است.
مردمی به ستوه آمده و خسته از جنگ های جاری، از هر جا و
آدرسی که “جرقه” برقراری صلح و ختم جنگ “برق” می
زند، به آن دل خوش می کنند و امید می بندند، تا جای که
تأمین صلح و امنیت سرتاسری و ثبات پایدار که حق مسلم و
انکار ناپذیر مردم ما می باشد به یک “آرزوی دیرینه” و
آرمان ملی “مبدل شده است.

باورمندیم که صلح و امنیت سنگ بنا و شرط تحقق تمامی
ارزش ها و برنامه هاست، اما با تأسف که در سال های پسین،
ما شاهد رو به وخامت گذاشتن آن هستیم. تعریف و تلقی که از
امنیت می شود تا اکنون در حد یک “تعریف نظامی” باقی
مانده است و به تأمین امنیت در ابعاد اقتصادی، فرهنگی،
سیاسی، روانی و حقوقی آن توجه اندک صورت گرفته است در
حالی که امنیت به معنای حقیقی اش منهای رعایت “
دموکراسی”، “عدالت اجتماعی”، تأمین “حقوق شهروندی
” و در نهایت تأمین “حقوق بشر” ممکن نیست.

امضای توافقنامه صلح میان ایالات متحده امریکا و گروه
طالبان، بدون حضور نمایندگان افغانستان، نه تنها باعث
کاهش خشونت ها نشد، که به این گروه تروریستی

شهید رحمانی وقتی به تاریخ کشورمان و سرزمین های
اسلامی دیگر نظر می افکنیم، می بینیم که در پای هر
حماسه ای در بیخ هر افتخاری خون و خون های رو حانیت
و محصلین علوم دینیه ریخته است. و در پهلوی آن نیز
عارفان زاهد و صوفیان پاکسر به کگف گرفته و در مصاف
نبرد حق و باطل جان به جانان تسلیم کرده اند، از صدر
اسلام که بگذریم صحنه هایی نبرد با لشکریان چنگیز،
تیمور.... طلاب گروه گروه جنگیده و رزمیده اند، و بخوبی
میتوان ادعا کرد که فتره ما مرحله سومی است. که باز
روحانیت به رزم برخاسته و در پای انقلاب اسلامی که چه
خونها نریختند.

من جمله شهید رحمانی که طالبی بود جوان، محصلی بود
باهوش و رزمنده ای بود مخلص.

شهید رحمانی از زادگان سال ۱۳۴۹ است که در ولسوالی
قره باغ ولایت غزنی چشم به جهان گشود. در سن ۶
سالگی به مکتب رفت و پس از اوج انقلاب اسلحه بر گرفت
و از مجاهدین جهاد مقدس کثود محسوب شد. اما اهمیت
تحصیل را نیز بخوبی در یافته و بدان جهت برای تحصیل
به ایران مسافرت نموده و به مدت سه سال در شهر ساوه
مشغول تحصیل علوم دینی گردید و از آنجا به تهران رفت
و مدت دو سال را نیز در مدرسه امیرالمؤمنین (ع) گذراند،
آنگاه عازم اصفهان شده و تحصیلاتش را در آنجا ادامه داد.
او به عضویت انجمن طلاب حرکت اسلامی درآمد و در
این راه تلاش های فراوان نمود اما عشق و علاقه به جهاد
موجب شد، که تاب پائیدن در مدرسه ننماید و سراغ میکده
عشق جبهه گرفت و بی باکانه بدان سوی پر کشید.

چه باید..

کنند.

کار های که فوری و حیاتی است

الف: تأمین صلح و امنیت فراگیر و ثبات پایدار

فزون تر از چهار دهه می شود که افغانستان در شعله های آتش
جنگ بی رحم و خانمان بر انداز می سوزد این جنگ “لعنتی”
تحمیلی با پیچیدگی ها و ابعاد مختلف داخلی، منطقه یی و
جهانی که دارد، مسبب “شهادت”، “معلولیت” و “آوارگی”
میلیون ها باشند این سرزمین شده است، علاوه بر آن انهدام و
تخریب زیر ساخت های اجتماعی و اقتصادی و آسیب رسیدن
به مناسبات اجتماعی، فرهنگی و روابط دوستانه و برادرانه
میان اقوام با هم برادر از دگر اثرات شوم و نا میمون این جنگ
ویرانگر و همه سوز می باشد. و تا هنوز “سپهر” صلح و امنیت
مکدر و در پشت ابر های تاریک پنهان است. گر چه از چندی
به این سو تلاش های در راستای برقراری صلح و تأمین امنیت
از سوی نهاد های داخلی و بیرونی، کشور های منطقه و جامعه
جهانی صورت گرفته است، اما با توجه به ابعاد پیچیده بحران